

نتیجه یک تراژدی
عظیم انسانی
است، حتی اگر
طالبان به بدترین
شیوه‌های خود بر
نگردند مردان و
به‌ویژه زنان افغان
بهای گزافی را برای
شکست‌های
امریکا در سال‌ها
و دهه‌های آینده
خواهند پرداخت

دولت را از بالا و توسط نیروهای خارجی تحمیل کرد، نابجا بود. همان‌طور که جیمز رابینسون و من در کتاب سال ۲۰۱۹ خود «راهروی باریک» بحث می‌کنیم، زمانی که نقطه شروع شما جامعه‌ای عمیقاً ناهمگون است که حول آداب و رسوم و هنجارهای محلی سازماندهی شده و نهادهای دولتی برای مدت طولانی غایب یا آسیب دیده‌اند، این رویکرد هیچ حس بر نمی‌انگیزد. درست است رویکرد از بالا به پایین برای دولت‌سازی در برخی موارد مانند سلسله کین^[۴] در چین یا امپراتوری عثمانی مؤثر بوده است، اما اکثر دولت‌ها نه با زور بلکه با سازش و همکاری ساخته شده‌اند. تمرکز موفقیت‌آمیز قدرت تحت نهادهای دولتی معمولاً مستلزم رضایت و همکاری افراد تابع آن است. در این مدل دولت برخلاف میل جامعه بر جامعه تحمیل نمی‌شود، در عوض نهادهای دولتی مشروعیت خود را با تأمین مقدار کمی از حمایت مردمی ایجاد می‌کنند.

این به آن معنا نیست که ایالات متحده باید با طالبان کار می‌کرد، بلکه به این معناست که به جای سرازیر کردن منابع به رژیم فاسد اولین رئیس‌جمهور افغانستان پس از طالبان، حامد کرزی و برادرانش، [که اصلاً مردم افغانستان را نمایندگی نمی‌کردند] باید با گروه‌های مختلف محلی کار می‌کرد. اشرف غنی رئیس‌جمهور افغانستان که این هفته به امارات متحده عربی گریخت، در سال ۲۰۰۹ کتابی نوشت که نشان می‌دهد چگونه این استراتژی به فساد دامن زده و نسبت به هدف اعلام شده خود ناکام بوده است؛ اما زمانی که غنی به قدرت رسید همان راه را ادامه داد.

وضعیتی که ایالات متحده در افغانستان با آن روبه‌رو شد بدتر از آن چیزی بود که برای ملت‌سازان مشتاق وجود دارد. مردم افغانستان از همان ابتدا حضور ایالات متحده را به عنوان یک عملیات خارجی با هدف تضعیف جامعه خود درک کردند. این معامله‌ای نبود که مطلوب آنها باشد.

وقتی تلاش‌های دولت‌سازان از بالا به پایین بر خلاف میل جامعه پیش می‌رود، چه اتفاقی می‌افتد؟ در بسیاری از جاها تنها گزینه جذاب عقب‌نشینی است. گاهی اوقات این به شکل یک خروج فیزیکی ظاهر می‌شود؛ همان‌طور که «جیمز سی اسکات»^[۵] در کتاب «هنر تحت کنترل نبودن»^[۶] و در مطالعه خود در مورد مردم زومبا در جنوب شرقی آسیا نشان می‌دهد. گزینه دیگر در کنار خروج فیزیکی می‌تواند به معنای زندگی مشترک بدون همکاری باشد؛